



# پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین بر آمریکا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**پیامدهای  
جنگ روسیه و اوکراین  
بر آمریکا**

## مقدمه

پیامدهای تهاجم روسیه به اوکراین ما را به یاد اختلالات غیر قابل پیش بینی ای می‌اندازد که اقتصاد جهانی دائماً با آن مواجه شده است. هیچ کس نمی‌توانست حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی را پیش بینی کند و تعداد بسیاری کمی توانستند بحران مالی ۲۰۰۸ میلادی، شیوع کووید-۱۹ یا انتخاب دونالد ترامپ را که منجر به در پیش گرفتن سیاست ملی گرایانه و حمایت از صنایع داخلی در امریکا شد را پیش بینی کنند. حتی کسانی که این بحران‌ها را پیش بینی کردند نمی‌توانستند با دقت بگویند که چه زمانی رخ خواهد داد. هر یک از این رویدادها پیامدهای کلان اقتصادی و سیاسی زیادی داشته‌اند. شیوع کرونا توجه را به عدم انعطاف پذیری اقتصادهای به ظاهر قوی جلب کرد. آمریکا کشور ابرقدرت در اوج شیوع کرونا حتی نمی‌توانست کالاهای ساده‌ای مانند ماسک و سایر تجهیزات محافظ را تولید کند چه رسد به اقلام پیچیده‌تر. این بحران درک ما را از شکنندگی اقتصادی تقویت کرد و یکی از درس‌های بحران مالی جهانی را تکرار کرد. به طور مشابه، جنگ ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در اوکراین، افزایش نگران‌کننده قیمت مواد غذایی و انرژی را تشدید می‌کند و پیامدهای بالقوه شدیدی را برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور به ویژه آن‌هایی که بدهی‌های‌شان در طول شیوع کرونا افزایش یافته خواهد داشت. اروپا نیز به دلیل اتکالی خود به گاز روسیه منبعی که اقتصادهای بزرگی مانند آلمان نمی‌توانند به سرعت یا به شکلی کم هزینه از آن جدا شوند به شدت آسیب‌پذیر است. بسیاری به درستی نگران هستند که چنین وابستگی‌ای پاسخ به اقدامات فاحش روسیه را تعدیل کند. تهاجم روسیه به اوکراین دستاوردهای خوبی برای راهبرد کلان آمریکا نیز داشته است. پیش از این تهاجم، واشنگتن با مجموعه‌ای از چالش‌ها روبه‌رو بود. نخست، اوکراین یک دولت وابسته به آمریکا (مشرتی آمریکا) بود، اما متحد رسمی این کشور به شمار نمی‌رفت. حمایت‌های واشنگتن از اوکراین به اندازه‌ای بود که آن را به هدفی وسوسه‌انگیز برای تهاجم روسیه تبدیل کند، اما این حمایت‌ها برای حفاظت کامل از این کشور کافی نبود. همان متحدان رسمی آمریکا، دوستان این کشور در اروپای غربی و مرکزی، بودند که از لحاظ اقتصادی به منابع روسیه وابسته‌اند و تمایل اندکی برای به عهده گرفتن مسئولیت‌های نظامی تازه داشتند. ایالات متحده آمریکا، رقیب نسبتاً ابرقدرت، یعنی چین، بود که جاه‌طلبی‌های فزاینده‌اش در اقیانوس آرام نیازمند صرف «هزینه» و «توجه» آمریکا بود، عواملی که هر دو به دلیل ناتوانی واشنگتن در کنار گذاشتن مسئولیت‌هایش در اروپا، در دسترس نبودند. اکنون همه چیز دگرگون شده است. ولادیمیر پوتین به جای تمرکز بر نقاط ضعف غرب، تهاجمی تمام عیار و غافلگیرانه را آغاز کرده که نه تنها تهدیدی فوری علیه ویلنیوس و ورشو است بلکه احتمال یک جنگ فرسایشی بلندمدت هم چندان دور نیست. هم‌زمان اروپا فقط پاسخ اقتصادی یا مالی را رهبری نمی‌کند و نوید اقدام‌های مهمی را داده است که روسای جمهور آمریکا همواره به دنبال آن بوده‌اند. سرآغاز این اقدام‌ها، بازگشت آلمان به صحنه و بازتسلیم این کشور است که سنگ بنای هر اقدامی برای متعادل کردن هزینه‌های آمریکا در آسیاست. چین هم گرچه بی‌تردید در تمام این آشفتگی‌ها به دنبال برخی منافع است، اما آغاز جنگ غافلگیرانه پوتین و واکنش یکپارچه و سختگیرانه و نامنتظره غرب احتمالاً باعث خواهد شد جاه‌طلبی‌های این کشور در تایوان تا حدی فروکش کند.



## فارن پالسی

جنگ اوکراین همه چیز را تغییر نمی دهد: جنگ روسیه پایان قطعی تک قطبی آمریکا را نشان می دهد و واقع گرایی را به جهان برمی گرداند که به بهترین وجه با رئالیسم توضیح داده می شود دیر یا زود، جنگ در اوکراین متوقف خواهد شد. هیچ کس نمی داند که چگونه، چه زمانی و از طریق چه قطعنامه ای. شاید نیروهای روسی به طور کامل عقب نشینی کنند، هر چند بعید بنظر می رسد. شاید ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه از قدرت برکنار شود و جانشین یا جانشینان او معامله سخاوتمندانه ای را انجام دهند، که این هم بعید است. شاید نیروهای اوکراینی اراده نبرد را از دست بدهند که بازهم بعید است. شاید جنگ در یک بن بست بی نتیجه ادامه یابد تا زمانی که قهرمانان داستان خسته شوند و یک توافق صلح مذاکره شود. با این حال، حتی در سناریو آخر هم سخت است که بدانیم شرایط نهایی ممکن است چه باشد یا چقدر طول بکشد.

نتیجه هر چه که باشد، بسیاری از ناظران بر این باورند که جنگ تأثیر عمیقی بر سیاست جهانی خواهد داشت. آن ها جنگ در اوکراین را به عنوان لحظه ای تعیین کننده می بینند. اگر روسیه شکست بخورد «نظم جهانی لیبرال» جان تازه ای پیدا می کند و نیروهای خودکامه دچار شکست خواهند شد. با این حال، اگر پوتین به نوعی پیروز شود، جهان به سمت پرتگاه تمامیت خواهی می رود.

جنگ در اوکراین یک رویداد مهم است، اما نه به این دلیل که نتیجه آن تأثیر چشمگیری بر توازن قدرت خواهد گذاشت، بلکه از این جهت مهم است که پایان «لحظه تک قطبی» را نشان می دهد.

من دوست ندارم جنگ در اوکراین را یک لحظه تغییر دهنده خطاب کنم، زیرا در دهه های اخیر بارها چنین حرفی را شنیده ام. وقتی دیوار برلین فرو ریخت، اتحاد جماهیر شوروی از بین رفت و پیمان ورشو منحل شد، به ما گفتند که «همه چیز تغییر کرده است». نظم جهانی نوینی در راه بود، بشر ظاهراً به

«پایان تاریخ» رسیده بود، و دموکراسی لیبرال سرمایه داری (ترجیحاً نسخه آمریکایی) تنها بازی موجود در عرصه سیاسی بود.

با وجود تمام صدمات و رنج‌هایی که جنگ اوکراین ایجاد کرده، اما تا رسیدن به سطوح ویرانی در جنگ‌های هندوچین، ایران و عراق، آفریقای مرکزی و لشکرکشی‌های ایالات متحده به عراق و افغانستان، فاصله داریم. البته، جنگ اوکراین نیز می‌تواند به آنجا برسد، به خصوص اگر از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده شود. آنچه در مورد این جنگ متفاوت است این است که برای اولین بار از اوایل دهه ۱۹۹۰ قدرت‌های بزرگ، در یک طرف و مقابل خود جنگ قرار گرفته‌اند. اما این بازگشت به الگوهای آشنای درگیری‌های قدرت‌های بزرگ و جنگ‌های نیابتی است و چیزی جدید یا منحصر به فردی نیست.

همانطور که در بالا پیشنهاد شد، این جنگ نشان دهنده پایان رسمی شبه صلح کوتاهی است که پس از پایان جنگ سرد شکل گرفت. جنگ در آن دوره ناپدید نشد - ایالات متحده در گروهی از درگیری‌ها جنگید و چندین درگیری را شروع کرد - اما درگیری‌ها در این دوره یا جنگ‌های داخلی بود، یا جنگ بین قدرت‌های کوچک، یا ناهماهنگی فاحش بین قدرت‌های بزرگ و کوچک و یا ترکیبی از هر سه آنها. در آن زمان رقابت مستقیم بین قدرت‌های بزرگ وجود نداشت، زیرا نه روسیه و نه چین آنقدر قوی نبودند که آشکارا در برابر ایالات متحده مقاومت کنند. ویلیام وولفورت، دانشمند علوم سیاسی کالج دارتموث، زمانی درباره «ثبات جهان تک قطبی» اینطور نوشت: تعداد کمی از کشورها می‌خواستند با «دشمنی متمرکز» ایالات متحده مواجه شوند یا اقداماتی انجام دهند که ایالات متحده را وارد بازی مخالف کند. ولی اشتباه وولفورت این بود که به زعم او جهان تک قطبی ممکن است بیشتر از دوقطبی بودن جنگ سرد دوام بیاورد. با این حال، این قضاوت نادرست کاملاً تقصیر او نبود، زیرا او نمی‌توانست اشتباهات مکرر را که پایان دوره تک قطبی را تسریع می‌کرد، پیش بینی کند. اگر سیاستگذاران ایالات متحده باهوش‌تر، کمتر ایدئولوژیک‌تر و واقع‌بین‌تر بودند، اولویت و ثبات تک‌قطبی ایالات متحده بیشتر دوام می‌آورد.

مقامات ایالات متحده به جای حفظ قدرت، حل و فصل درگیری‌ها و تلاش برای عدم ظهور رقیب، عمدتاً برعکس عمل کردند. آن‌ها به چین کمک کردند تا با سرعت بیشتری رشد کند و تریلیون‌ها دلار را در جنگ‌های پرهزینه و نادرست در خاورمیانه هدر دادند. آن‌ها به جای گسترش تدریجی نهادهای لیبرال از طریق مکانیسم‌هایی مانند مشارکت برای صلح، ناتو را گسترش دادند و با خیال راحت تصور کردند که مسکو نمی‌تواند کاری برای متوقف کردن آن انجام دهد.

آن‌ها به جای اتخاذ رویکردی سنجیده‌تر برای جهانی‌سازی، رویکردهای نفولیبرالی در تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی را پذیرفتند و به اندازه کافی برای مصون نگه داشتن بخش‌های در معرض خطر نیروی کار ایالات متحده از پیامدهای جهانی‌سازی اقدام نکردند. به جای کار اضافی برای تبدیل دموکراسی آمریکایی به مدلی که سایر جوامع ممکن است بخواهند از آن الگوبرداری کنند، سیاستمداران ایالات متحده مکرراً اصول و هنجارهایی را که برای بقای دموکراسی واقعی ضروری هستند، زیر پا گذاشتند. لحظه تک قطبی هرگز برای همیشه دوام نمی‌آورد، اما سیاستگذاران آمریکایی آن را به پایان زودرس رساندند.

در جهان کنونی قدرت کماکان مهم است. اگر روسیه موفق به ترکیب استان‌های دونتسک و لووانسک و

یک پل زمینی به کریمه شود، به این دلیل است که نیروهای نظامی این کشور علی‌رغم محاسبات اشتباه و گام‌های اشتباه قبلی خود توانستند این مأموریت را انجام دهند. اگر اوکراین تمام یا بیشتر قلمرو سابق خود را حفظ کند، به دلیل قدرت سختی است که شهروندانش (با کمک‌های فراوان خارجی) برای متوقف کردن همسایه بزرگتر خود به کار گرفته اند.

در وهله بعدی، گویی دوباره به جهان یادآوری شده که وابستگی متقابل اقتصادی بدون خطر و مبادله نیست. مطمئناً بازارها مهم هستند، اما سیاست مهمتر است. اتصال جهان از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری، زنجیره تامین پیچیده و خطوط لوله گاز مزایای آشکار و عظیمی را به همراه داشت، اما پیوندهای تنگاتنگ اقتصادی مانعی برای درگیری نیست.

نکته بعدی این است که حتی اگر روسیه به دستاوردهای محدودی در دونباس دست یابد، جنگ افول نسبی آن را تسریع خواهد کرد. پوتین ممکن است از پیوستن اوکراین به ناتو جلوگیری کند، اما پیامدهای بلندمدت این دستاورد، اوضاع روسیه را در کل بدتر خواهد کرد. تا زمانی که او یک پرده آهنین جدید برپا نکند، جوانان با استعداد روسیه به ترک کشور ادامه خواهند داد. درآمدهای دولت کاهش می‌یابد، زیرا کشورهای بیشتری از خرید نفت، گاز و زغال سنگ روسیه منصرف می‌شوند. در مقابل، اوکراین از نظر اقتصادی به حرکت به سمت اروپا ادامه خواهد داد، روندی که پیش از شروع جنگ در جریان بود.

آینده در حال ظهور نه یک «نظم لیبرال» با محوریت ایالات متحده خواهد بود و نه یک نظم استبدادی با محوریت چین. در عوض، هر یک از این دو قدرت بزرگ، دستورات جزئی را رهبری می‌کنند که شامل کشورهایی می‌شود که ارزش‌های مشابهی دارند یا چاره‌ای جز همسویی با یک طرف یا طرف دیگر ندارند. هم‌اشنگتن و هم‌پکن از برخی از متحدان خود انتظار وفاداری دارند. انتظار می‌رود که شاهد شکاف و مشاجره بیشتر در فضای دیجیتال باشیم، زیرا دو کشور برای تعیین اینکه کدام استانداردهای فنی غالب خواهد بود، تلاش خواهند کردند.

اما همانطور که واکنش جهانی به اوکراین نشان می‌دهد، بسیاری از کشورها سعی خواهند کرد از نزاع‌هایی که مستقیماً آن‌ها را درگیر نمی‌کند، خودداری کنند. برخی از آن‌ها سعی خواهند کرد از بازی ایالات متحده و چین با یکدیگر، منافع بیشتری را به دست آورند.

<https://cutt.ly/9GsftRv>

# آمریکا و متحدانش برای انزوای طولانی مدت روسیه در حال برنامه‌ریزی هستند



## واشنگتن پست

با گذشت نزدیک به دو ماه از حمله ولادیمیر پوتین به اوکراین، دولت جو بایدن و متحدان اروپایی آن شروع به برنامه‌ریزی برای دنیایی بسیار متفاوت کرده‌اند؛ دنیایی که در آن دیگر سعی در همزیستی و همکاری با روسیه ندارند، بلکه فعالانه به دنبال منزوی کردن و تضعیف آن به عنوان یک استراتژی بلندمدت خواهند رفت.

مقامات در ناتو و اتحادیه اروپا و در وزارت امور خارجه آمریکا، پنتاگون و وزارتخانه‌های دیگر کشورهای متحد غربی، طرح‌هایی را برای پیگیری سیاست‌های جدید در تقریباً تمام جنبه‌های مواضع غرب در قبال مسکو، از حوزه‌های دفاع و دارایی گرفته تا تجارت و دیپلماسی بین‌المللی، تدوین می‌کنند.

این استراتژی جدید نوپا بسیار فراتر از پوتین به عنوان رهبر کرملین را در بر می‌گیرد و برنامه‌ریزان این کشورها به بازنگری در یک سری اسناد اساسی که قرار است در ماه‌های آینده ارائه شوند، ادامه می‌دهند. این استراتژی احتمالاً به طور قابل توجهی از انتظارات اولیه برای آنکه منحصراً روی چین و احیای وضعیت داخلی آمریکا متمرکز باشد، فاصله خواهد داشت. استراتژی دفاع ملی جدید پنتاگون که ماه گذشته میلادی به صورت محرمانه به کنگره ارسال شد، طبق یک خلاصه کوتاهی که پنتاگون از آن ارائه داد، متمرکز بر «چالش روسیه در اروپا» و همچنین تهدید چین خواهد بود.

همچنین قرار است اولین سند «مفهوم استراتژیک» ناتو از سال ۲۰۱۰ تاکنون، در نشست سران این ائتلاف در ماه ژوئن رونمایی شود، در حالی که در سال ۲۰۱۰ این ائتلاف به دنبال «شراکت استراتژیک واقعی» با روسیه بود. ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو در یک کنفرانس خبری در اوایل ماه جاری میلادی گفت:



گفت‌وگویی معناداری که قبلاً برای آن تلاش کردیم، دیگر گزینه‌ای برای روسیه نیست.

اتحادیه اروپا برنامه‌هایی را برای کاستن دو سوم از وابستگی شدید خود به گاز روسیه تا پایان سال جاری میلادی و پایان دادن به واردات سوخت‌های فسیلی از روسیه تا قبل از سال ۲۰۳۰ طراحی کرده است. ووپکه هوکسترا، وزیر امور خارجه هلند، روز پنجشنبه در یک مجمع در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن گفت: مساله ما چندان مربوط به تحریم‌ها نیست، بلکه تدوین مسیری به سمت واردات صفر است و اینکه اطمینان حاصل کنیم مستقل از نفت و گاز روسیه می‌شویم. برای برخی، این یک مسیر چند ماهه خواهد بود. برای برخی دیگر پیمودن این مسیر ممکن است سال‌ها طول بکشد. اما هلند و سایر کشورها در این مورد جدی هستند. دیگر اشتباه قبل تکرار نمی‌شود.

کشورهای غربی متحد به اعلام برنامه‌هایشان برای افزایش عمده بودجه‌های نظامی خود در آینده نزدیک، اعلام آمادگی کرده‌اند. انتظار می‌رود فنلاند و سوئد پیش از اجلاس ماه ژوئن ناتو در مادرید برای عضویت در ناتو درخواست دهند؛ این به مثابه یک تغییر قابل توجه در توازن امنیت اروپاست که همچنین منجر به افزایش چشمگیر حضور نظامی ائتلاف ناتو در نزدیکی روسیه می‌شود.

یک هفته پیش، رئیس جمهوری آمریکا لایحه‌هایی را امضا کرد که به روابط تجاری عادی با روسیه پایان داده و به وضع قانون از سوی او در قبال ممنوعیت واردات نفت روسیه از سوی آمریکا پرداخته‌اند.

کمتر کسی در میان رهبران غربی حاضر به حدس زدن در مورد زمان و چگونگی پایان بحران اوکراین هستند. الکساندر ورشبو، سفیر سابق آمریکا در روسیه، مقام ارشد سابق پنتاگون و معاون دبیرکل سابق ناتو، گفت: نمی‌توان در ارتباط با بسیاری از تغییرات پیشنهاد شده «تا زمانی که ما بدانیم این درگیری چگونه به پایان می‌رسد به طور تمام و کمال تصمیم‌گیری کرد. این پرسش‌ها مطرح هستند که آیا این درگیری تمام می‌شود؟ یا با یک آتش‌بس شکننده به طول می‌انجامد یا اینکه در نهایت در وضعیت نه جنگ، نه صلح برای چندین سال ادامه می‌یابد؟»

اما استراتژی بلندمدت غربی‌ها، در حالی که دست تدوین است که متحدان غربی با دست زدن به تشدید تحریم‌ها علیه مسکو، کمک تسلیحاتی به اوکراین و استقرار ده‌ها هزار نیروی خود در مرز شرقی ناتو به این بحران فوری پاسخ داده‌اند. بر اساس اظهارات چند مقام شامل هشت مقام ارشد آمریکایی و خارجی که برخی از آنها نامشان را فاش نکردند، اکنون انتظار می‌رود که بسیاری از این تدابیر و موارد دیگر به طور دائمی پای بر جا بمانند.

برخی دیگر نیز هم حکمت برنامه‌ها و هم پایدار بودن غرب را زیر سؤال برده و توصیه کرده‌اند که از بازگشت به سیاست «مهار» که در زمان شوروی بر روابط غرب با اتحاد شوروی حاکم بود، جلوگیری شود. برخی دیگر نیز گفته‌اند که بحران اوکراین و تأثیر عمیق آن بر اروپا، فرصتی را برای آمریکا فراهم می‌کند تا دست‌کم از برخی از مسئولیت‌های پرهزینه خود برای دفاع از به اصطلاح جهان آزاد کناره‌گیری کند.

استفان ورتهایم در مجله فارن افرز استدلال کرد: در هر صورت، این جنگ فرصتی برای تاکید بر انضباط راهبردی و تشویق اروپا برای تعادل ایجاد کردن در برابر روسیه در ضمن تمرکز آمریکا بر امنیت در آسیا و احیای داخل ایجاد کرده است.

در غرب همه حامی انزوای طولانی مدت مسکو نیستند. در فرانسه، جایی که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری این کشور درگیر رقابت انتخاباتی نزدیکی با رقیبش مارین لوپن است، این نامزد ریاست جمهوری جناح راست افراطی فرانسه خواستار آشتی بین ناتو و روسیه شده و بر تعهد خود برای خارج کردن فرانسه از فرماندهی یکپارچه این ائتلاف تأکید کرده است. و صداهایی نیز در آلمان به نفع باز نگه داشتن درهای گفت‌وگو به روی کرملین برای تسهیل نزدیکی دو طرف در نهایت وجود دارد.

در آمریکا این موضوع یکی از محدود مواردی است که در قبال آن جو بایدن از حمایت قوی مقامات هر دو حزب اصلی برخوردار است. به نظر می‌رسد حمایت از یک خط‌مشی سرسختانه علیه روسیه، بیزاری جمهوری خواهان آمریکا نسبت به ناتو را کمرنگ کرده است؛ بیزاری که یکی از ویژگی‌های بارز دولت ترامپ بود. اعضای ائتلاف ناتو از واشنگتن گرفته تا اعضای حوزه مرزهای غربی روسیه، بر این که لزوم و واقعیت اتخاذ یک موضع مشترک نسبت به هر زمانی بیشتر اولویت یافته تأکید کرده‌اند.

اما اگر فوریت مساله اوکراین فروکش کند، ناگزیر اختلاف‌نظرها میان غربی‌ها بر سر مسائلی هم چون افزایش هزینه‌های دفاعی، نیاز به تعامل با روسیه در قبال موضوعاتی مانند عدم اشاعه، ادعاهای مربوط به کمرنگ شدن توجهات به چین و اختلالات تجاری که باعث افزایش قیمت‌ها در داخل و مشکل پیدا کردن دستور کار داخلی رئیس‌جمهور شده، تشدید می‌شوند.

بایدن در جریان سفر ماه گذشته میلادی خود به ورشو با توصیف این جنگ به عنوان جنگی بین «دموکراسی و استبداد» گفت: ما باید اکنون متعهد شویم که برای مدت طولانی در این مبارزه باشیم. ما باید امروز و فردا و پس فردا و برای سال‌ها و دهه‌های آینده متحد بمانیم. آسان نخواهد بود و هزینه‌هایی خواهد داشت.

قضاوت نادرست

<https://cutt.ly/KGsggCm>

# نقش رئیس سازمان «سی آی ای» در جنگ اوکراین



## اکنونمیست

اوایل سال گذشته، سرویس امنیتی اردن از توطئه‌ای علیه عبدالله، پادشاه این کشور، که برادر ناتنی‌اش، عربستان سعودی و برخی قبایل بادیه‌نشین در آن مشارکت داشتند، خبر دادند. ویلیام برنز، مدیر سیا و سفیر سابق آمریکا در اردن، تهدیدی را که برای متحد مهم آمریکا به وجود آمده بود به اطلاع کاخ سفید رساند تا جو بایدن نخستین فردی باشد که بلافاصله با ملک عبدالله تماس می‌گیرد و حمایت قاطع خود از او را اعلام می‌کند. پس از عبور از این بحران، پادشاه اردن اولین رهبر عرب بود که به دیدار بایدن رفت. اتفاقی که در آن زمان کمتر مورد توجه قرار گرفت، نقش برنز بود. دیپلمات ۶۶ ساله که اغلب از او به عنوان ماهرترین فرستاده نسل خود توصیف می‌شود - تخصص را با نفوذ گره زده است. او به زبان‌های روسی و عربی مسلط است، در دوران خدمتش پنج رئیس‌جمهور را دیده و دو سمت در مسکو داشته است: اولی در زمان رهبری بوریس یلتسین و دومی به‌عنوان سفیر در اوایل تصدی ولادیمیر پوتین؛ درست زمانی که روابط آمریکا و روسیه رو به تیرگی می‌رفت. برنز رهبر روسیه را به خوبی می‌شناسد. تعداد کمی از مشاوران بایدن وجود دارند که تا این حد مورد اعتماد او باشند.

برنز نقش اصلی را در بحران اوکراین به عهده داشت. پس از اینکه جاسوسان آمریکایی و بریتانیایی در اکتبر گذشته به طرح جنگ روسیه پی بردند، آقای برنز به مسکو اعزام شد تا به پوتین هشدار دهد که اهدافش عواقبی در پی خواهد داشت. آقای برنز که متقاعد شده بود جنگ نزدیک است، با علنی کردن اطلاعات جاسوسان انگلیسی-آمریکایی، برای متقاعد کردن متحدان شکاک اروپایی نسبت به برنامه‌های آقای پوتین دست به کار شد. به ندرت جامعه اطلاعاتی آمریکا، در طول دهه‌های گذشته به چنین پیروزی آشکاری دست یافته است. این به عنوان یکی از خلاقانه‌ترین و موفق‌ترین کاربردهای سرویس اطلاعاتی در سال‌های متمادی بوده است.

بیشتر اشتباهات اخیر سیاست خارجی آمریکا- از خروج از برجام توسط دونالد ترامپ گرفته تا حمله جورج دبلیو بوش به عراق در ناآگاهی عمیق از جهانی که واشنگتن فرض می کرد آن را شکل می داد، انجام شد. در مقابل، نظرات برنز در مورد روسیه با درک عمیق از اوضاع این کشور همراه است. او بسیار به روسیه سفر کرده و از اوضاع داخلی این کشور به خوبی آگاه است.

برنز که مخزن یک نفره دانش نهادی آمریکا از روسیه است، نشان دهنده سنت دیپلماسی جدی آمریکایی است که توسط سیاستگذاران این کشور مورد قدردانی قرار گرفته است. جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی، می گوید: «هیچ کسی نیست که روسیه را بهتر از برنز بشناسد.» تصادفی نیست که یکی از اولین اقدامات برنز در سازمان سیا، استخدام متکلمان زبان ماندارین بود. او می دانست که آمریکا دیگر پلیس جهان نیست و نمی تواند امیدوار باشد جهانی را شکل دهد که آن را درک نمی کند.

یکی دیگر از ویژگی های برنز نهادگرایی اوست. در اولین روز ریاست جمهوری ترامپ، رئیس جمهور در حالی که در کنار دیوار یادبود لنگلی ایستاده بود، یک سخنرانی برای جاسوسان آمریکا ایراد کرد. ترامپ گزارش های اطلاعاتی را که آژانس برای او تهیه کرده بود نادیده گرفت. حتی اگر مایک پمپئو و جینا هاسپل، می خواستند کاری برای اصلاح این بی تفاوتی انجام دهند، نمی توانستند از تضعیف روحیه جاسوسان جلوگیری کنند.

برنز دو مرکز مأموریت جدید راه اندازی کرده است: یکی چین را پوشش می دهد و دیگری فناوری و تهدیدات فراملی مانند تغییرات آب و هوا. دومی که تا حدی به اطلاع از پیشرفت های فناوری در بخش خصوصی وابسته است، نشان می دهد که چگونه تغییرات سریع اجتماعی-اقتصادی، سازمان های اطلاعاتی را مجبور می کند تا به حوزه هایی فراتر از جاسوسی متوسل شوند. استفاده خلاقانه دولت از اطلاعات در مورد اوکراین نمونه دیگری از آن است.

<https://cutt.ly/6F2ONWX>

## نگرانی از اظهارات فی البداهه بایدن در مورد جنگ اوکراین



؟؟؟؟؟

اظهارات فی البداهه بایدن ( در باره حمله روسیه به اوکراین ) جدیدترین نمونه از تنش بین واکنش اغلب احساسی او به جنگ بی رحمانه پوتین و پیامدهای بین المللی این سخنان است. بایدن در دوره تصدی خود به داشتن اظهارات فی البداهه شهرت دارد، رویه ای که متحدان آن را به عنوان حرکتی دوستانه می ستایند اما حریفان آن را بی انضباطی می خوانند.

هارولد مشاور حقوقی وزارت خارجه آمریکا در دوره اوباما گفت: من از این واقعیت که او وحشت کرده است و تحت تاثیر چیزهایی است که مشاهده می کند، همانطور که ما هستیم، و اینکه آن را در قالب عباراتی پیچیده بیان نمی کند، تحت تاثیر قرار می گیرم. او آنچه را که فکر می کند، می گوید. من سیاستمدارانی را که صادق هستند به آنهایی که سعی می کنند کلماتشان را با دقت بیشتر انتخاب کنند، ترجیح می دهم. اما برخی دیپلمات ها می گویند در میانه بزرگترین جنگ زمینی اروپا از جنگ جهانی دوم، تمایل بایدن برای فاصله گرفتن از سیاست رسمی آمریکا، این ظرفیت را دارد که تلاش ها برای پایان دادن به این درگیری را پیچیده کند و متحدان و شرکا را سردرگم سازد.

این واکنش ( بیان این که پوتین در حال نسل کشی در اوکراین است ) با روند سخت تعیین نسل کشی که وزارت خارجه دارد، هماهنگ نیست؛ روندی که در کنار شواهد دیگر، مستلزم این است کاملا مستندات وجود داشته باشد از اینکه عاملان، قصد داشتند گروهی را به طور کلی یا بخشی از آنها را از میان بردارند. اما به نظر نمی رسد بایدن بر اساس هیچ یک از اینها اظهار نظر کرده باشد.

تشخیص نسل کشی به وسیله دولت آمریکا به شکل خودکار زمینه هیچ اقدام مشخصی را فراهم نمی کند. اما به گفته دیپلمات ها، می تواند فشار را بر آمریکا برای مداخله، پیش از آنکه آماده این کار باشد، بیفزاید و

می تواند متهم را به موضعی متمرذانه تر بکشاند. علاوه بر این اظهارات، روند موشکافانه ای را برای اطمینان از اینکه این عبارت نسنجیده به کار نرفته است، ایجاد می کند.

مقامات وزارت خارجه روز چهارشنبه گفتند آنها اکنون درباره نسل کشی در اوکراین اظهارنظر نمی کنند و به گفته ند پرایس سخنگوی این وزارتخانه، بیشتر سرگرم کمک به تلاش جهانی برای ثبت جنایات جنگی ادعایی هستند تا ببینند آیا در «حد حقوقی این موضوع (نسل کشی) هست.»

آمریکا نسل کشی را تلاش برای از بین بردن کلی یا بخشی از یک گروه قومی، نژادی، مذهبی یا ملی تعریف می کند. روسیه عملیات بی رحمانه کشتار را در سراسر اوکراین دنبال کرده است و بازرسان به شواهدی از شکنجه پیش از قتل، سربریدن و تکه تکه کردن و سوزاندن عمدی اجساد در شهرهایی نظیر بوچا دست یافته اند.

از جنگ جهانی دوم تا کنون، آمریکا هشت بار رسماً نسل کشی را تشخیص داده است، از جمله درباره کشتار آرامنه به دست ترکیه در جنگ جهانی اول.

یک سوال این است که آیا اظهارات احساسی بایدن ممکن است بر روند رسمی تاثیر داشته باشد. جان بی. بلینگر که مشاور حقوقی وزارت خارجه در زمان جورج دبلیو بوش بود، گفت: وقتی رئیس جمهور ایالات متحده گفته است این قضیه از نظر او نسل کشی است، این امر فشار زیادی را بر وزارت خارجه و مشخصاً وکلا وارد می کند که به همین نتیجه گیری برسند.

او افزود: من فکر نمی کنم رئیس جمهور اشتباه کرده باشد. او روند رسمی وزارت خارجه را می داند اما این اولین بار نیست که این اتفاق افتاده است.

<https://cutt.ly/zF2PAMh>

# نظر مردم آمریکا در مورد جنگ اوکراین



## سی بی اس

نتایج نظرسنجی اخیر موسسه افکارسنجی انگلیسی یوگاو و شبکه تلویزیونی آمریکایی سی بی اس نشان می دهد که اکثریتی ۷۲ درصدی از مردم آمریکا حامی ارسال تدارکات و تسلیحات به اوکراین هستند. سی بی اس روز یکشنبه نوشت که فقط ۲۵ درصد پاسخ دهندگان از اقدام نظامی مستقیم آمریکا در اوکراین حمایت کرده و موافقت اکثریت شرکت کنندگان این نظرسنجی با چنین حرکتی منوط به گذشتن روس ها از خط قرمز کاربرد سلاح های هسته ای (۶۸ درصد)، شیمیایی (۶۱ درصد) یا حمله به یکی از کشورهای عضو ناتو (۶۹ درصد) است.

به نوشته سی بی اس، نه تنها بسیاری از جامعه آماری این نظرسنجی با تحریم های علیه روسیه موافق هستند (۷۸ درصد) بلکه در میان این جمع اکثریت چشمگیری (۷۴ درصد) حامی افزایش آنها هستند. بیشتر آمریکایی ها (۵۸ درصد) معتقدند که حمله روسیه به اوکراین برای منافع ملی آمریکا اهمیت دارد. از جمله دلایل این اهمیت، متوقف ساختن تجاوزگری روسیه (۸۷ درصد)، محافظت از جان مردم اوکراین (۸۵ درصد) و ایفای نقش آمریکا در رهبری تحولات جهانی (۶۹ درصد) است.

بیشتر آمریکایی ها (۵۵ درصد) از نحوه رسیدگی واشنگتن به اوضاع اوکراین ناراضی اند. عقاید داوطلبان شرکت در این پژوهش در ارتباط با رضایت از نقش آفرینی جو بایدن در بحران اوکراین به سه بخش تقسیم می شود:

گروهی ۴۱ درصدی خواهان اقدام بیشتر بایدن در عرصه جهانی و به دست گرفتن رهبری تلاش ها در حل و فصل بحران هستند. به نسبت گروه های دیگر، این گروه حمایت بیشتری از ارسال سلاح به اوکراین کرده و تا حدی نیز حامی اعزام نیروهای آمریکایی به منطقه اند. طرفداران دو حزب عمده دموکرات و جمهوریخواه ترکیب این گروه را تشکیل داده اند.

گروه دوم که ۳۴ درصد جامعه آماری را تشکیل می دهند، رویکرد فعلی بایدن در زمینه رهبری این بحران را تأیید کرده و به دنبال راه حل های غیر نظامی مطابق با رویکرد جاری واشنگتن اند. این گروه به شدت از تحریم ها حمایت کرده، برای رویدادهای اوکراین اهمیت قائلند و مانند بسیاری از آمریکائی ها در زمینه دخالت دادن نیروهای آمریکایی احتیاط پیشه می کنند. دموکرات ها بخش عمده ای از این طیف را تشکیل می دهند. اقلیتی ۲۵ درصدی گروه سوم را تشکیل داده و خواهان کنار ماندن بایدن از وقایع اوکراین و دخالت کمتر آمریکا هستند.

این گروه به نسبت دو گروه دیگر از ارسال سلاح به اوکراین یا اعزام نیروهای آمریکایی به کشورهای عضو ناتو کمتر حمایت می کنند. این طیف همچنین اهمیت اوکراین برای منافع ملی آمریکا را چندان باور ندارند. جمهوریخواهان بخش عمده این گروه را تشکیل می دهند.

<https://cutt.ly/MF2AT00>



## موضع متحدان غیر غربی آمریکا در قبال جنگ اوکراین



### فارن پالسی

غیر از نزدیک ترین دوستان و متحدان نظامی آمریکا در غرب و شرق آسیا، بیشتر جهان تمایلی به پیوستن به کارزار تحت رهبری آمریکا برای منزوی کردن روسیه ندارد. آنها به همان اندازه که از اقدام روسیه در گرفتن اراضی اوکراین خشمگین هستند، روابط تاریخی هم با روسیه دارند که آماده کنار گذاشتن آن نیستند و بیم آن دارند محاصره اقتصادی علیه مسکو، کشورهای آنها را هم دچار مشکلات جدی خواهد کرد و موجب افزایش هزینه های سوخت و مواد خوراکی می شود و بذر گرسنگی و بی ثباتی بیشتر را در درون مرزهای آنها می کارد.

در روزهای پس از تهاجم ۲۴ فوریه روسیه به اوکراین، به نظر می رسید جهان در حمایت از اوکراین بسیج شده است. مجمع عمومی سازمان ملل که ۱۹۳ عضو دارد، با اکثریت آراء، ۱۴۱ به ۵، مداخله نظامی روسیه را محکوم کرد. فقط بلاروس، ارمنیه، سوریه و کره شمالی در مخالفت با این قطعنامه به روسیه پیوستند. آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل که عموماً تلاش کرده است از تقابل قدرت های بزرگ در سازمان ملل اجتناب شود، به صراحت از جنگ «از نظر اخلاقی غیرقابل قبول، از نظر سیاسی غیرقابل توجیه و از نظر نظامی بی معنی» روسیه در اوکراین به عنوان نقض آشکار منشور سازمان ملل انتقاد کرد.

در همین حال، واشنگتن به شکلی تعجب برانگیز حمایتی قوی در بین متحدان غربی و شرق آسیا شکل داده است، از کانادا و آلمان تا ژاپن و کره جنوبی، تا تحریم های ویرانگری علیه روسیه وضع کند و عملاً بیشتر تعاملات بازرگانی این کشور را با نظام مالی جهانی قطع کند و ارزش روبل روسیه را از بین ببرد. در پس این نمایش وحدت، جهانی است که عمدتاً خود را با دوره ای چند قطبی که در آن دیگر آمریکا تنها ابرقدرت نیست، وفق می دهد. واکنش ها به تهاجم روسیه از آفریقا تا جنوب آسیا، نسبتاً خاموش بوده است و نگرانی ها از تاثیر بالقوه تحریم های غرب بر قیمت های مواد غذایی و سوخت رو به افزایش بوده است.

بسیاری همچنان نارضایی عمیقی از آمریکا دارند که مداخلات نظامی اش از افغانستان تا عراق و لیبی، مسیر مرگ و نابودی به جا گذاشته است. کشورهای مهم آفریقا و آسیا، از جمله آفریقای جنوبی و هند، محتاطانه گام برداشته اند و سعی کرده اند روابط خوب را با روسیه و آمریکا حفظ کنند درحالیکه همزمان بر لزوم احترام به استقلال اوکراین تاکید می کنند. حدود ۳۵ کشور از جمله بسیاری از آفریقا، در رای گیری مجمع عمومی سازمان ملل برای محکوم کردن تهاجم روسیه، شرکت نکردند. هیچ کشور آفریقایی علیه روسیه که در سال های اخیر به بزرگترین صادرکننده اسلحه جهان به آفریقا تبدیل شده، تحریم وضع نکرده است.

این تردید در هیچ جایی بارزتر از خاورمیانه نبوده است، جایی که در آن متحدان راهبردی اصلی آمریکا، اسرائیل و امارات عربی متحده و عربستان سعودی، در برابر پیوستن به تلاش های آمریکا برای منزوی کردن روسیه و پیوستن به اقدامات آن برای وضع تحریم ها علیه دولت ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه مقاومت کرده اند.

اسرائیل سعی کرده است توازنی ظریف را بین حفظ روابط خوب با مهم ترین حامی خود یعنی آمریکا و از سوی دیگر با نقش آفرین بانفوذ منطقه ای یعنی روسیه برقرار کند که در سوریه حضور نظامی دارد و اسرائیل در آنجا حملات هوایی متعددی علیه نایبان ایرانی انجام داده است.

<https://cutt.ly/XGshCJX>

## تضعیف موقعیت آمریکا در خاورمیانه



### آسیا تایمز

سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه چندین دهه بر هماهنگی با کشورهای حوزه خلیج فارس) به رهبری عربستان، اسرائیل، مصر و ترکیه متکی بوده است. با این حال، از زمان دولت باراک اوباما، روابط میان واشنگتن و متحدان اصلی آن در خاورمیانه دچار مشکل شده و توانایی آمریکا برای مدیریت بحران های خاورمیانه و ایجاد اجماع در این منطقه تضعیف شده است.

روابط آشفته واشنگتن با متحدانش در خاورمیانه به ویژه از زمان آغاز تهاجم روسیه به اوکراین، آشکارتر شده است. اگرچه همه متحدان امریکا در منطقه خاورمیانه بر اساس قطعنامه ماه مارس سازمان ملل، روسیه را به علت آغاز جنگ با اوکراین محکوم کردند، اما فقط اسرائیل تحریم ها را، هرچند اندک، اجرا کرده است.

عدم تمایل متحدان آمریکا در خاورمیانه برای اعمال تحریم ها (علیه روسیه) نشان دهنده قصد آنها برای خودداری از دشمنی با روسیه است که نفوذ فزاینده ای در این منطقه دارد و همچنین نمایانگر نارضایتی آنان از واشنگتن و نیز تایید این تصور است که نفوذ آمریکا در این منطقه رو به کاهش است.

<https://cutt.ly/8GskaRx>

## زلنسکی محبوب تر از بایدن در آمریکا



### مرکز پیو

براساس نتایج تازه ترین نظرسنجی مرکز پیو، اعتبار و اعتماد مردم آمریکا به ولودیمیر زلنسکی رییس جمهور اوکراین ۷۲ درصد است در حالی که اعتماد به جو بایدن در میان هم وطنانش ۴۸ درصد است. به گزارش مجله فورس، زلنسکی تا سال ۲۰۱۹ که یک کم‌دین و بازیگر با شناخت کمی در خارج از اوکراین و روسیه بود، اکنون یکی از محبوب ترین رهبران بین المللی در میان آمریکایی ها است. طبق نتایج نظرسنجی مرکز پیو، اعتبار و اعتماد زلنسکی در میان مردم آمریکا حتی از جو بایدن، امانوئل مکرون رییس جمهوری فرانسه، اولاف شولتس صدراعظم آلمان، شی جی پینگ رییس جمهوری چین نیز بیشتر است. اعتبار زلنسکی در حالی میان مردم آمریکا ۷۲ درصد است که رتبه های مکرون ۵۵ درصد، شولتس ۵۳ درصد و شی جی پینگ ۱۵ درصد است. زلنسکی همچنین توانسته محبوبیت و اعتبار ویژه‌ای در میان دو حزب آمریکا کسب کند بطوری که ۶۷ درصد جمهوریخواه و ۸۰ درصد از دموکرات اعتبار وی را تایید می کنند. این در حالی است که جو بایدن در نظرسنجی اخیر مرکز پیو تنها توانست ۱۶ درصد اعتبار جمهوریخواهان و ۷۵ درصد از دموکرات ها را کسب کند.

<https://cutt.ly/yGslE8v>

## آمریکا برهم زنده امنیت اروپا



### گلوبال تایمز

پس از تازه ترین دور گفت و گوها بین روسیه و اوکراین در ترکیه که روز سه شنبه صورت گرفت، هر دو طرف گفتند مذاکرات با نشانه های مثبتی همراه بود. اوکراین پیشنهاد کرد وضعیت بی طرفی را در ازای تضمین های امنیتی جامعه بین المللی می پذیرد. روسیه هم گفت سریعاً اقدام نظامی را در اطراف کی یف و چرنوبیل متوقف می کند.

اما این نشانه های مثبت مشخصاً آن چیزی نبود که آمریکا می خواست.

کیت بدینگفیلد، مدیر ارتباطات کاخ سفید، در کنفرانس خبری روز چهارشنبه، در پاسخ به این سوال که «آیا آمریکا مایل است تضمین کننده امنیت اوکراین باشد یا این گزینه را بررسی می کند؟» گفت: ما بی وقفه با اوکراینی ها در حال گفت و گو هستیم درباره راه هایی که می توانیم اطمینان حاصل کنیم آنها مستقل و در امان هستند. اما تا این لحظه مطلب مشخصی درباره تضمین امنیتی نبوده است که من بتوانم درباره آن صحبت کنم.

برخی کاربران اینترنت چینی اظهارات بدینگفیلد را مسخره کردند و نوشتند این اظهارات مانند این است که گفته شود «ما بدون ناامید کردن شما، هیچ تضمین امنیتی نخواهیم داد.» این نشان می دهد آمریکا نمی خواهد شاهد همزیستی مسالمت آمیز اوکراین و روسیه باشد. لی های دانگ، استاد موسسه روابط بین الملل در دانشگاه امور خارجی چین، بر این باور است که آمریکا از اوکراین به عنوان ابزاری برای تضعیف روسیه استفاده می کند، بنابراین واشنگتن حمایت خود را از کی یف حفظ خواهد کرد. لی به گلوبال تایمز گفت: اگر اوکراین و روسیه با هم آشتی کنند، آمریکا قادر نخواهد بود خون روسیه را تا آخرین قطره بریزد. آمریکا علاوه بر خودداری از دادن تضمین امنیتی که به کاهش تنش فعلی منجر خواهد شد، خواستار احتیاط درباره وعده روسیه مبنی بر کاهش عملیات های نظامی شد. گزارش ها حاکی از آن است ولودیمیر

زنسکی، رئیس جمهوری اوکراین، تلفنی روند گفت و گوهای صلح را به جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا اطلاع داد و در طول آن بایدن به زنسکی گفت آمریکا ۵۰۰ میلیون دلار دیگر در قالب کمک به اوکراین خواهد فرستاد. همچنین گزارش شده است زنسکی پس از این تماس تلفنی ویدیویی را منتشر و اعلام کرد عملیات نظامی روسیه در اطراف کی یف کاهش یافت زیرا دفاع سربازان اوکراینی روسیه را وادار به این کار کرد.

این درگیری اوکراین را محکم تر به آمریکا پیوند داده است و کی یف در آینده با هماهنگی بیشتر با واشنگتن اقدام خواهد کرد. ویدیوی زنسکی هم یک نشانه است. اگر ما از زاویه دیگر به آن نگاه کنیم، این طور به نظر می رسد: آمریکا گفت اوکراین، «شما باید این بن بست را با روسیه ادامه دهید تا من بتوانم به بیرون آمدن شما از آن کمک کنم» و اوکراین پاسخ داد «باشد، من کاری خواهم کرد».

آمریکا همزمان با ریختن آب سرد بر مذاکرات صلح روسیه-اوکراین، تلاش های خود را برای دامن زدن به درگیری ها افزایش می دهد. این همسو با نیازهای راهبردی آمریکاست. اگر خواست اوکراین برای دریافت تضمین امنیتی برآورده شود، الگوی جدید ارائه تضمین امنیتی فراهم خواهد شد که به معنای تضعیف نقش آمریکا و ناتو خواهد بود. آمریکا نمی خواهد شاهد چنین نتیجه ای باشد. می توان گفت آمریکا بزرگترین برهم زننده امنیت در کل اروپاست. آمریکا برای مشاهده آتش بس روسیه-اوکراین، بی میل ترین طرف است.

<https://cutt.ly/dGsl05>

## انتقاد از نقش آمریکا در تسلیح اوکراین



### تاس نیوز

از سال ۲۰۱۴ تاکنون آمریکا با سرازیر کردن میزان فراوانی سلاح به اوکراین به طور نظام مند درصدد افزایش دادن نفوذ خود در آن کشور با هدف گسترش ناتو بدون تضمین عضویت رسمی اوکراین در این اتحادیه بود. او تاکید کرد که رسانه ها و سیاستمداران آمریکایی تلاش کرده اند تا (با این اقدامات) برای دوره ای طولانی به روسیه هشدار دهند. در همان زمان مخالفان سیاسی آنها که برای دستیابی به یک راه حل سیاسی در موضوع های مربوط به اوکراین تلاش کرده اند، با مجموعه ای از اتهام ها درباره وفاداری و میهن پرستی و همچنین رویکرد روسیه گرایانه رو به رو شده اند.

به نوشته این خبرنگار، بالاترین تابو هر گونه بحث درباره مشارکت سنگین آمریکا در اوکراین بود که از سال ۲۰۱۴ آغاز شد. به اعتقاد او، این شامل نفوذ آمریکا بر سیاستمداران اوکراینی، تامین تسلیحات و فرستادن مستشاران نظامی و افسران اطلاعاتی بود. او در ادامه نوشته است: آمریکا در کنار هم پیمانانش در ناتو میلیاردها دلار جنگ افزارهای پیچیده را به اوکراین سرازیر کرده که دست کم بخشی از آنها به دست ستیزه جویان به واقع نئونازی متحد با دولت و ارتش اوکراین رسیده است.

گرینوالد در ادامه آورده است: در سال های اخیر سیاست آمریکا به شکلی به گسترش بالقوه ناتو بدون عضویت رسمی ارتقاء یافته است. به نوعی می توان گفت که آمریکا یک جنگ نیابتی را علیه روسیه ترتیب داده که در آن اوکراینی ها به منزله ابزارهای آن هستند و هدف از آن، پایان دادن به این جنگ نیست بلکه طولانی کردن آن است.

این نویسنده در پایان یادداشت خود آورده است که جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا زمینه ساز (احتمال به راه افتادن) جنگ میان دو قدرت اصلی هسته ای جهان بر سر اوکراین شده است.

# حمله روسیه به اوکراین، عامل وحدت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها



## بروکینگز

با معیارهای سیاست قطبی شده امروز، به نظر میرسد که سخنرانی بایدن در مجمع سالانه، احتزاز پرچم کشور اوکراین و تشویق های مدام اعضای کنگره (هم دموکرات هم جمهوری خواه) که توانست حمایت دو حزب را به همراه داشته باشد، فوق العاده بوده است...

اما آیا صرف نمایش این وحدت و اتحاد بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها کافیست؟ برای اولین بار پس از مدت ها، آمریکایی ها در هر دو طرف راهرو بر سر موضوع مهمی توافق می کنند.

پاسخ منفی است. تا حدی که این روزها به ندرت دیده می شود، مردم آمریکا علیرغم وجود مسائل اختلاف حزبی، ایدئولوژی، نژاد، و قومیت و در واقع، در هر شاخص جمعیتی در مورد ماهیت تهدید، مسئول جنگ و نحوه واکنش به آن متفق القول هستند!

نظرسنجی که درست قبل از سخنرانی بایدن انجام شد نشان داد که مردم آمریکا به مساله روسیه و اوکراین توجه دارند و ۶۵ درصد گفتند که درباره تهاجم روسیه به اوکراین چیزهای زیادی شنیده‌اند.

حدود ۸ نفر از هر ۱۰ دموکرات و جمهوری خواه، بیشتر از روسیه، با اوکراین همدردی می کنند و سه چهارم می گویند که برایشان مهم است که چه کسی در جنگ پیروز می شود. اکثریت عظیمی از دموکرات ها و جمهوری خواهان بر این باورند که روسیه می خواهد مرزهای اتحاد جماهیر شوروی را دوباره برقرار کند اما اوکراین می خواهد مستقل بماند.

این نگرش ها بیش از همدردی اخلاقی برای قهرمانی اوکراین، در مواجهه با تجاوز روسیه است. اکثریت



بزرگی از هر دو حزب بر این باورند که آنچه در روسیه و اوکراین اتفاق می‌افتد بر ایالات متحده تأثیر می‌گذارد. ۴۹ درصد از دموکرات‌ها و ۴۸ درصد از جمهوری خواهان معتقدند که روسیه «یک تهدید فوری جدی» برای ایالات متحده است و اکثریت هر دو حزب سیاسی فکر می‌کنند که شانس یک جنگ سرد جدید، بیشتر از پنج سال پیش است. ۴۶ درصد از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان نگران هستند که جنگ بین ایالات متحده و روسیه بسیار یا تا حدودی محتمل باشد.

همچنین یک اجماع قوی در حزبی در مورد چگونگی واکنش ایالات متحده به تهاجم روسیه وجود دارد. اکثریت هر دو طرف طرفدار اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و پوتین و ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی به اوکراین هستند. ۵۴ درصد از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان طرفدار اعزام نیرو برای تقویت متحدان ناتو در اروپای شرقی هستند، اما مخالفت دو حزبی با اعزام نیروهای آمریکایی برای جنگ با روس‌ها در اوکراین وجود دارد.

آمریکایی‌ها تمایلی ندارند که جنگ را با پاداش دادن به تجاوز روسیه به پایان برسانند. در سراسر خطوط حزب، آنها با قول دادن به روسیه مبنی بر اینکه اوکراین هرگز به ناتو نمی‌پیوندد، مخالفند، با اجازه دادن به روسیه برای نفوذ بیشتر در کشورهای شوروی سابق، و با عقب‌نشینی استقرار نیروهای ناتو در اروپای شرقی مخالفند.

برای اولین بار پس از مدت‌ها، آمریکایی‌ها در هر دو طرف راهرو بر سر موضوع مهمی توافق می‌کنند. این نظرات، به خصوص در سالی که انتخابات میان دوره‌ای هم در پیش دارد؛ وحی منزل به نظر نمی‌رسد... به عنوان مثال، اگر تحریم‌ها منجر به افزایش قیمت سوخت شود، حمایت جمهوری خواهان از تحریم‌ها کاهش می‌یابد نسبت به حمایت دموکرات‌ها. با این حال، میزان توافق در مورد اصول تهاجم قابل توجه است و به نظر می‌رسد احتمالاً ادامه خواهد داشت.

<https://cutt.ly/0GscPR>

## افزایش قیمت مواد غذایی در آمریکا



### دیلی پرس

بر اساس گزارشی که وزارت کشاورزی آمریکا در ماه مارس درباره دورنمای بازار آمریکا در سال ۲۰۲۲ تهیه کرده است، قیمت مواد غذایی در آمریکا به بالاترین سطح آن در دهه های اخیر رسیده است. قیمت خواربار نیز در طول سال تقریباً ۹ درصد افزایش یافته است. سرویس تحقیقات اقتصادی وزارت کشاورزی نیز در ماه مارس پیش بینی کرد قیمت مواد غذایی امسال بین چهار و نیم تا پنج درصد افزایش یابد. بر اساس این گزارش، انتظار می رود قیمت خواربار در ماه های آینده بین سه تا چهار درصد افزایش یابد. بر اساس این گزارش، قیمت هیچ ماده غذایی در سال ۲۰۲۱ کاهش نیافت. وزارت کشاورزی در گزارش جدید خود پیش بینی خود را درباره قیمت همه مواد غذایی از جمله گوشت قرمز، گوشت مرغ، تخم مرغ، محصولات لبنی، روغن و ... افزایش داد. تنها موردی که قیمت آن در گزارش جدید وزارت کشاورزی کاهش یافته بود قیمت سبزیجات تازه است. بر اساس این گزارش همچنین هزینه خوردن غذا در بیرون از خانه نیز بین پنج و نیم تا شش و نیم درصد افزایش خواهد یافت. دلایل افزایش بی رویه قیمت مواد غذایی عوامل مختلفی دارد؛ برخی ها اختلال در زنجیره جهانی تامین مواد غذایی را دلیل آن عنوان می کنند. برخی نیز بالا رفتن قیمت بنزین، شرایط آب و هوایی نامناسب، افزایش قیمت انرژی و جنگ میان روسیه و اوکراین را عامل آن در نظر می گیرند. بر اساس گزارش نیویورک تایمز، حتی قبل از شروع همه گیری کرونا، قیمت مواد غذایی در سطح جهان در حال افزایش بود و جنگ تجاری میان آمریکا و چین باعث شده بود چین روی محصولات کشاورزی آمریکا تعرفه اعمال کند. تهاجم روسیه به اوکراین و افزایش نرخ بهره توسط فدرال رزرو آمریکا نیز باعث ایجاد فشار روی قیمت مواد غذایی شده است. بر اساس شاخص قیمت مصرف کنندگان آمریکا در ماه مارس، تورم در دوازده ماه گذشته به هفت و نه دهم درصد رسید که بالاترین رقم افزایش یک ساله در ۴۰ سال گذشته به شمار می رود.

# تأثیر تصمیم مالی آمریکا بر نحوه پرداخت بدهی های خارجی روسیه



## رویترز

آمریکا، دولت روسیه را از پرداخت بیش از ۶۰۰ میلیون دلار بدهی دولتی خود از محل ذخایری که در بانک های آمریکایی نگهداری می شود، منع کرد؛ اقدامی که گفته می شود به منظور افزایش فشار بر مسکو انجام گرفته است. براساس تحریم هایی که پس از حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه اعمال شد، ذخایر ارزی که توسط بانک مرکزی روسیه در موسسات مالی آمریکایی نگهداری می شد مسدود شده است. اما وزارت خزانه داری آمریکا به دولت روسیه این اجازه را داده بود که از این وجوه برای پرداخت بدهی های دولتی استفاده کند. به گفته سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا، دیروز دوشنبه، در حالی که سررسید بزرگترین بدهی های روسیه فرا می رسید، از جمله پرداخت ۵۵۲،۴ میلیون دلار برای یک اوراق قرضه، واشنگتن تصمیم گرفت دسترسی مسکو به وجوه مسدود شده را قطع کند. یک منبع آگاه به رویترز گفت که بانک «جیبی مورگان» (شرکت خدمات مالی و بانکداری آمریکایی) که بانک عامل پردازش این بدهی ها است از طرف وزارت خزانه داری آمریکا برای دریافت بدهی های اوراق قرضه دولت روسیه منع شده است. سخنگوی وزارت خزانه داری آمریکا خاطرنشان کرد که هدف از این اقدام واشنگتن وادار کردن مسکو برای اتخاذ تصمیمی دشوار بوده است؛ تصمیمی که به گفته این مقام دولت فدرال آمریکا، روسیه باید از این وجوه یا برای پرداخت بدهی های خود استفاده می کند یا اهدافی دیگر، از جمله حمایت از تلاش های جنگی خود در اوکراین. گفته می شود در صورتی که روسیه از این تصمیم سرباز زند با بدهی های تاریخی روبرو می شود. از سوی دیگر گزارش ها حاکی از آن است روسیه تنها ۳۰ روز برای پرداخت بدهی های خود مهلت دارد. روسیه که در مجموع دارای ۱۵ اوراق قرضه بین المللی با ارزش اسمی حدود ۴۰ میلیارد دلار است، علیرغم تحریم های بی سابقه غرب تاکنون موفق شده بود از قصور در پرداخت بدهی های بین المللی جلوگیری کند. اما به نظر می رسد وضعیت در پی تصمیم روز گذشته دولت واشنگتن سخت تر شده باشد.

## تأثیر جنگ اوکراین بر بازار مواد غذایی در آمریکا



### فاکس نیوز

باب اونانو، مدیر اجرایی شرکت غذایی گویا در آمریکا یکشنبه در گفت و گو با یکی از برنامه های شبکه فاکس هشدار داد که جنگ میان روسیه و اوکراین تأثیر مخربی بر عرضه مواد غذایی دارد زیرا انتظار می رود کمبود مواد غذایی به افزایش تورم کمک کند. جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا، ماه گذشته گفت در پی تحریم هایی که دولت آمریکا بر روسیه به علت تهاجم ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور این کشور، به اوکراین اعمال کرد، کمبود مواد غذایی واقعی خواهد بود.

بایدن پس از نشستی با سران سایر قدرت های جهانی در یک کنفرانس خبری در اجلاس ناتو در بروکسل گفت: بهای تحریم ها فقط بر روسیه تحمیل نمی شود، بلکه بر بسیاری از کشورها از جمله کشورهای اروپایی و کشور خود ما نیز تحمیل می شود.

در واکنش به این موضوع، اونانو گفت: دو جنگ در جریان است.

وی گفت: جنگ اول جنگی است بر سر سوخت های فسیلی و تورم را به طور سرسام آوری افزایش داده است. هزینه حمل و نقل نیز بر همه جنبه های اقتصاد تأثیر گذاشته است. وی افزود: جنگ دیگر جنگ در اوکراین است، کشوری که کود، ذرت و گندم تولید می کند.

روسیه و اوکراین حدود ۲۹ درصد از صادرات گندم جهان، ۱۹ درصد از صادرات ذرت جهان و ۸۰ درصد از صادرات روغن آفتابگردان جهان را بر عهده دارند. این مسئله بسیاری از تجار را نگران کرده است که هرگونه اقدام نظامی بیشتر موجب می شود که وارد کنندگان مواد غذایی برای جایگزین کردن این مواد، به شدت با مشکل مواجه شوند. روسیه همچنین یکی از بزرگترین صادرکنندگان سه گروه اصلی کودها است. اونانو همچنین گفت همه این ها در بندر اودسا مسدود شده که بر عرضه و قیمت ها تأثیر دارد.

گرچه وی تأکید کرد که این جنگ تأثیر مخربی بر عرضه کالاها داشته است اما گفت مشکل واقعی در زنجیره تأمین

با قرنطینه ها به علت شیوع بیماری کووید آغاز شد.

بر اساس آماری که اداره آمار ماه گذشته منتشر کرد، تورم در ماه فوریه به بالاترین حد خود در ۴۰ سال گذشته رسید و شاخص سالانه قیمت مصرف کنندگان ۷,۹ درصد بالا رفت. تورم ماهانه ۰,۸ درصد افزایش داشت. از ژانویه تا فوریه قیمت تقریباً همه کالاها و خدمات افزایش یافت.

داده های مرتبط با تورم برای ماه مارس هفته آینده منتشر خواهد شد و داده های فوریه نیز قبل از تهاجم روسیه به اوکراین که موجب افزایش قیمت ها شد، تهیه شده است. قیمت گندم، ذرت، روغن های خوراکی و فلزاتی مانند آلومینیوم و نیکل از زمان آغاز این جنگ به شدت افزایش یافته است چرا که اوکراین و روسیه صادر کنندگان اصلی این کالاها هستند. بر اساس تحلیل های جدید، با افزایش تورم، انتظار می رود روند افزایش قیمت گوشت قرمز و سفید امسال در آمریکا ادامه یابد.

<https://cutt.ly/mGsvBXv>

## پیامدهای اقتصادی جنگ اوکراین برای مردم آمریکا



### سی بی اس

جنگ اوکراین برای آمریکایی ها بدون عواقب نبوده است. در حال حاضر متوسط قیمت هر گالن بنزین در کشور حدود ۴ دلار و ۲۰ سنت است. آمریکایی ها در حال حاضر در مقایسه با ۳۰ روز قبل روزانه ۲۵۰ میلیون دلار بیشتر صرف خرید بنزین می کنند.

برای شهروندان فقیر آمریکا، هزینه خرید سوخت مهم ترین بخش هزینه های آنها را تشکیل می دهد. افزایش قیمت بنزین در آمریکا به این معنا است که شهروندان پول کم تری برای بخش های دیگر زندگی شان در اختیار خواهند داشت.

افزایش قیمت سوخت به افزایش قیمت کالاها و محصولات دیگر هم منجر می شود و عواقب اقتصادی ایجاد می کند. اما همانگونه که رئیس جمهوری آمریکا هم اعلام کرد، هر دو حزب این کشور از طرح تحریم انرژی روسیه حمایت می کنند.

۷۱ درصد از شهروندان آمریکا در نظرسنجی اخیر گفته اند که از این طرح حمایت می کنند. سؤال این است که هر چه بحران اوکراین طولانی تر بشود عواقب مشکل زای بیشتری برای اقتصاد آمریکا ایجاد خواهد کرد.

ممنوعیت واردات کالا و محصولات از روسیه یک سلاح مالی مهم علیه روسیه و پوتین در پی جنگ اخیر است. هنوز معلوم نیست که اقدامات ما برای مقابله با این وضع چه خواهد بود آیا تولیدات داخلی را افزایش خواهیم داد یا برای تامین سوخت مورد نیاز، دست به سوی اوپک یا جاهای جنجالی مانند ونزوئلا و عربستان دراز خواهیم کرد و آنها را تحت فشار قرار خواهیم داد که تولید خودشان را افزایش بدهند. این ها هم تصمیماتی هستند که هر کدام از آنها عواقبی خواهند داشت.

# پیامدهای جنگ روسیه و اوکراین برای آمریکا در یک نگاه



## اثرات مثبت برای آمریکا

- ۱- متحد ساختن دوسوی اقیانوس اطلس و تقویت همبستگی در میان اعضای ناتو
- ۲- فروش مقادیر فراوانی نفت و گاز به اروپا
- ۳- تضعیف اقتصاد روسیه به عنوان اصلی ترین رقیب سیاسی □ امنیتی ایالات متحده
- ۴- کاهش سهم روسیه در بازار جهانی انرژی
- ۵- تخریب وجهه عمومی روسیه در بین بخش گسترده ای از مردم جهان

## اثرات منفی برای آمریکا

- ۱- ناتوانی در ایفای نقش بازدارنده از شروع حمله روسیه به اوکراین
- ۲- بی عملی در دفاع موثر از اوکراین در جنگ با روسیه
- ۳- ضعف در حمایت موثر از کشورهای خارج از حوزه ناتو
- ۴- کاهش اعتماد به مکانیسم های حمایتی آمریکا در قبال متحدان غیر ناتو
- ۵- تشدید روند نزولی اعتماد به دلار به عنوان ذخیره ارزی مطمئن
- ۶- افزایش قیمت انرژی و مواد غذایی

